

علوم و فنون ادبی ۲

سال یازدهم

درس دوم : پایه‌های آوایی

منظور از پایه‌های آوایی، همان ارکان عروضی است؛ مانند:

مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعّلن، فعولن، فاعلن، فعلاتن، مقتعلن، مفاعلن، مفعولن، فعلن، فاعلات، مفاعیل، مستفعّل، فعلات، مفعول، فعل، فع لن، فع و... .

بنابراین، هدف این درس، آموزش تقطیع به ارکان است؛ اما نه به شیوه‌ی نوشتاری، بلکه به شیوه‌ی شنیداری.

برای آموزش شنیداری پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، لازم است:

۱- تقطیع هجایی و انواع هجا یادآوری شود.

۲- پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) یادآوری شود.

۳- برای هر یک از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) نمونه‌هایی هموزن، تمرین و تکرار شود؛ مثلاً:

همزمانی = فاعلاتن

رفته بودم = فاعلاتن

هماهنگی = مفاعیلن

کما بیش = فعولن

پیچیده = مفعول

سخندان = فعولن

مطابقت = مفاعلن

گفتم خوشا = مستفعّلن

ای ساربان = مستفعّلن

مرنجان = فعولن

و...

لطفاً برای هر یک از پایه‌های آوایی، نمونه یا نمونه‌هایی بیاورید.

آمده‌ام = مقتعلن

شکیبایی = مفاعیلن

نمی دانم = مفاعیلن

نگفتم = فعولن

نباید = فعولن

بشورم = فعولن

زمستان = فعولن

کجایی = فعولن

ادبیات دهم نأ کنکور

خوانده بودم = فاعلاتن

می توانم = فاعلاتن

مزاحمت = مفاعیلن

سجاوندی = مفاعیلن

رفته باشی = فاعلاتن

پس از تمرین و تکرار بسیار این گونه نمونه‌ها و تطبیق دادن شنیداری و نوشتاری آن‌ها با پایه‌های عروضی، به دانش‌آموزان می‌گوییم:

اکنون می‌خواهیم مصراع‌ها را متناسب با پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) به صورت شنیداری، تقطیع کنیم و برای این کار لازم است:

۱- هر مصراع را درست بخوانیم.

۲- با توجه به آهنگ هر مصراع و درنگ‌های آن، مصراع را به صورت زبانی براساس یکی از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، تقطیع نماییم؛ مثلاً:

مرنجان (فعولن) دلم را (فعولن) که این مُر (فعولن) غ و حشی (فعولن)

یا:

به نازی (فعولن) که لیلی (فعولن) به محمل (فعولن) نشیند (فعولن)

یا:

ای ساریبان (مستفعلن) آهسته ران (مستفعلن) کارام جا (مستفعلن) نم می‌رود (مستفعلن)

یا:

من مانده‌ام (مستفعلن) مهجور زو (مستفعلن) درمانده‌م (مستفعلن) رنجور زو (مستفعلن)

گویی که نی (مستفعلن) شی دور زو (مستفعلن) در استخا (مستفعلن)

نم می‌رود (مستفعلن)

می‌بینیم که مصراع‌ها همان‌گونه که خوانده می‌شوند، به پایه‌های آوایی، تقسیم می‌شوند؛ بنابراین باید بتوانیم بیت را درست و شیوا بخوانیم.

لطفاً بیت زیر را به پایه‌های آوایی آن، تقسیم کنید.

کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود

محمل بدار ای ساریبان، تند می‌مکن با کاروان

محمل بدا: مستفعلن

ری ساریبان: مستفعلن

تندی مکن: مستفعلن

با کاروان: مستفعلن

کز عشق آن: مستفعلن

سرو روان: مستفعلن

گویی کجا: مستفعلن

ادبیات دهم ناکنکور

نم می رود: مستفعلن

اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آن‌ها توجه کنید.

-۱

هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد

هر ک چیزی دوست دارد | جان دل بر | وی گمارد

هر ک محراب | بش ت باشی | سر ز خلوت | بر ندارد

-۲

و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت

بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت

بلبلی بر | گ گلی خُش | رنگ در مین | قار داشت

و ندران بر | گ نوا خُش | ناله‌های | زار داشت

-۳

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی

ز کوی یار | می‌آید | نسیم باد | نوروزی

از این باد | مدد خواهی | چراغ دل | برافروزی

-۴

در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز

الاهی سینه‌ای | ده آتش‌افروز

در آن سینه | دلی و آن دل | همه سوز

-۵

خدایا تو دانی که ما را چه می‌شد

خدایا تو دانی که بر ما چه آمد

خدایا | ت دانی | ک بر ما | چه آمد

خدایا | ت دانی | ک ما را | چه می‌شد

-۶

خدایا ز عفوم مکن ناامید

بضاعت نیاوردم آلا امید

بضاعت | نیاوردم | آلا امید

خدایا | ز عفوم | مکن نا | امید

-۷

یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا

یار مرا | غار مرا | عشق جگر | خوار مرا

یار تویی | غار تویی | خاج نگه | دار مرا

دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را

دل می‌رود | ز دستم | صاحب‌دلان | خدا را

دردا که را | ز پنهان | خواهد شد | آشکارا

خودارزیابی:

۱- پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید...

(الف)

بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو

ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو

ای خُش مُنا: مستفعلن

دی های ت: مستفعلن

در باغ شا: مستفعلن

دی های تو: مستفعلن

بر جای نان: مستفعلن

شا دی خُ رد: مستفعلن

جانی ک شد: مستفعلن

مهمان ت: مستفعلن

(ب)

زبانم را بیانی آتشین ده

دلَم را داغ عشقی بر جبین نه

دَلَم را دا: مفاعیلن

غ عشقی بر: مفاعیلن

جَبین نه: فعولن

زبانم را: مفاعیلن

بیانی آ: مفاعیلن

تَشین ده: فعولن

ادبیات دهم نأ کنکور

(پ)

اسیرش نخواهد رهایی ز بند

شکارش نجوید خلاص از کمند

أ سی رش: فعولن

نَ خا هد: فعولن

رَ های: فعولن

ز بند: فَعَلَ

ش کارش: فعولن

نَ جو ید: فعولن

خَ لا صَ: فعولن

کَ مند: فَعَلَ

(ت)

عنکبوتی را به حکمت دام داد

صدر عالم را در او آرام داد

عنکبوتی: فاعلاتن

را ب حکمت: فاعلاتن

دام داد: فاعلن

صدر عالم: فاعلاتن

را در او آ: فاعلاتن

رام داد: فاعلن

(ث)

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

بیا تا گل: مفاعیلن

ب رف شانی: مفاعیلن

م می در سا: مفاعیلن

غَرَن دا زیم: مفاعیلن

فَلک را سَق: مفاعیلن

ف بشکافی: مفاعیلن

م طرحی نُو: مفاعیلن

دَرَن دازیم: مفاعیلن

ادبیات دهم ناکنکور

۲- پایه‌های آوایی بیت‌های زیر را مشخص کنید.

(الف)

چشم بینا، جان آگاه و دلی بیدار ده

یارب از عرفان مرا پیمانهای سرشار ده

پا ر ی ز ع ر : فاعلاتن

فان م ر ا پی : فاعلاتن

ما ن ای سر : فاعلاتن

شا ر ده : فاعلن

چشم بینا : فاعلاتن

جان آگا : فاعلاتن

ه د لی بی : فاعلاتن

دا ر ده : فاعلن

(ب)

چه سازم به خاری که در دل نشیند

خلد گر به پا خاری آسان برآید

خ لد گر : فعولن

ب پا خا : فعولن

ریا سان : فعولن

بر آید : فعولن

چ سازم : فعولن

ب خاری : فعولن

ک در دل : فعولن

نشیند : فعولن

(پ)

با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را

باران اشکم می‌دود و ز ابرم آتش می‌جهد

با ران اش : مستفعلن

گم می دود : مستفعلن

وز آب ر ما : مستفعلن

تش می جهد : مستفعلن

با پختگان : مستفعلن

گو این سخن : مستفعلن

سوزش نبا : مستفعلن

شد خام را : مستفعلن

ادبیات دهم نأ کنکور

(ت)

کاو همی‌گفت ای خدا و ای اله

دید موسی یک شبانی را به راه

دید موسی | یک شبانی | را به راه

کو همی‌گفت | تی خدا و | ای اله

(ث)

که دردت مرهم جان می‌نماید

مرا گه گه به دردی یاد می‌کن

مرا گه گه | ب دردی یا | د می‌کن

ک دردت مر | هم جان می | نماید

۳- با توجه به آهنگ بیت‌های زیر، با ذوق خود، پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) مناسب را بنویسید.

(الف)

کی طمع در گردش گردون دون‌پرور کنم

من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست

من کب دارم | در گدایی | گنج سلطا | نی ب دست

فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن

کی طمع در | گردش گر | دون دون‌پر | ور کنم

(ب)

حسابت را کنار جام بگذارم

من امشب آمدستم وام بگزارم

م نم شب آ: مفاعیلن

م دس تم وا: مفاعیلن

م بگ زا رم: مفاعیلن

ح سا بت را | ک نار جا | م بگ ذا رم

(پ)

گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید

گفتم غ | م ت دارم | گفتا غ | مت سرآید

گفتم ک | ماه من شو | گفتا آ | گر برآید

مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن

یا:

گفتم غم | ت دارم | گفتا غمت | سرآید

مستفعلن فعولن // مستفعلن فعولن

ادبیات دهم نا کنکور

(ت)

برده دل و جان من، دلیر جانان من

دلیر جانان من، برده دل و جان من

دلیر جا (مفتعلن)

نان من (فاعلن)

برد دل (مفتعلن)

جان من (فاعلن)

۴- پیامدهای حمله‌ی مغول را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

این سؤال برای تحقیق و پژوهش دانش‌آموزان است، اگر همکاران مایلند می‌توانند پاسخ دهند.

یعقوب کیانی شاهوندی

اب‌گروه دبیران ادبیات کشور

ادبیات دهم نا کنکور

:Tag

adabiate10@

:Link

<http://jvan.me/124Y>

نجمه شهبانین: PDF